

## بیت اول

دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو

امروز می آید از باغ بوی بهار من و

## قلمرو زبانی

بیت سه جمله. \_ ای دوست : شبه جمله، جمله اول: دیروز اگر غم برگ و بار من و تو را سوخت.

جمله سه جزئی با مفعول

فعل سوخت ناگذر است ولی در معنی گذرا به مفعول به کار رفته است. (سوزاند)

غم نهاد

برگ و بار من و تو. مفعول

سوخت. فعل گذرا به مفعول

برگ و بار من و تو. دو ترکیب اضافی

برگ و بار من

برگ و بار تو

برگ و بار واژه وندی مرکب

جمله دوم: امروز بوی بهار من و تو از باغ می آید

جمله دو جزئی با فعل ناگذر

امروز قید

بوی بهار من و تو. نهاد

می آید. فعل ناگذر

بوی بهار من و تو

بو. هسته

بهار من و تو وابسته و مضاف الیه

بهار. هسته ی مضاف الیه

من وابسته وابسته و مضاف الیه مضاف الیه

تو وابسته وابسته، مضاف الیه مضاف الیه

سه ترکیب اضافی

## قلمرو ادبی

دیروز و امروز. تضاد

دیروز مجاز از زمان قبل از انقلاب

امروز مجاز از زمان بعد از پیروزی انقلاب

برگ و بار. مجاز از تمام وجود

باغ. استعاره مصرحه از کشور

بهار. استعاره از آزادی و پیروزی در برابر ظالمان

بو می آید. کنایه از رسیدن خبر

برگ، باغ و بهار مراعات نظیر

#### ■ قلمرو فکری

ای دوست من اگر قبل از انقلاب غم و اندوه تمام وجود من و تو را نابود کرد؛ امروز پس از انقلاب از کشور خبر آزادی و پیروزی ما می رسد

#### ■ بیت دوم

آن جا در آن برزخ سرد در کوچه های غم و درد

غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو

#### ■ قلمرو زبانی

برزخ : حایل میان دو چیز

بیت یک جمله سه جزیی با مفعول

آن جا. قید

در آن برزخ سرد. متمم قیدی

در کوچه های غم و درد. متمم قیدی

غیر از شب. قید

برزخ سرد. ترکیب وصفی

کوچه های غم. ترکیب وصفی

کوچه های درد ترکیب وصفی

( کوچه های پر از غم، کوچه های پر از درد)

چشمان تار. ترکیب وصفی

چشمان من ترکیب اضافی

چشمان تو ترکیب اضافی

#### ■ قلمرو ادبی

برزخ سرد استعاره از زمان قبل از انقلاب

کوچه های غم و درد. استعاره مکنیه، اضافه استعاری

سرد کنایه از یاس و نا امیدی

شب. نماد ظلم و ستم

سرد و درد جناس ناقص(ناهمسان)

غم و درد مراعات نظیر

#### ■ قلمرو فکری

در ایران قبل از انقلاب در آن سرزمینی که کوچه هایی پر از غم و درد داشت آیا چشمان تار ما غیر از ظلم و ستم چه چیزی را می دید. ( فقط ظلم و ستم همه جا را گرفته بود)

#### 🖋️ بیت سوم

دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ  
امروز خورشید در دشت آینه دار من و تو

#### 📖 قلمرو زبانی

چمن : باغ. آینه دار: در قدیم رسم بوده است در برابر عروس و داماد و یا بزرگی آینه می گرفتند تا جلوه های زیبای خودشان را ببینند

غربت : غریبی، بی کسی

بیت دو جمله

غربت باغ. ترکیب اضافی، متمم قیدی

واو : معیت

یک چمن داغ. ترکیب وصفی

یک وابسته پیشین و صفت شمارشی

چمن(باغ) وابسته وابسته و ممیز

داغ. هسته ی متمم

دیروز و امروز. تضاد

مصراع دوم یک جمله سه جزیی با مسند

فعل است به قرینه معنوی حذف شده است.

آینه دار من و تو، دو ترکیب اضافی

#### 📖 قلمرو ادبی

دیروز و امروز. تضاد

واج آرای. صامت. غ.

باغ و داغ. جناس ناهمسان اختلافی

باغ و دشت. مراعات نظیر

داغ. مجاز از کشته ها

باغ. استعاره از ایران

خورشید. تشخیص و استعاره مکنیه

دشت. استعاره از کشور ایران

خورشید استعاره از پیروزی

آینه دار بودن کنایه از نمایش دهنده ی زیبایی ها

دیروز مجاز از قبل از انقلاب

امروز مجاز از زمان پیروزی انقلاب

#### 📖 قلمرو فکری

قبل از انقلاب در غربی و بی کسی کشور من همراه یک باغ کشته های جوانان بودم و امروز پس از انقلاب خورشید پیروزی به جلوه گری زیبایی ها و شادی ما در کشور ایران می پردازد

#### بیت چهارم

غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران  
صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو

#### قلمرو زبانی

##### بیت چهار جمله

غرق غبار هستیم. سه جزیی با مسند  
غرق غربت هستیم. سه جزیی با مسند  
بامن بیا. دوجزیی، با من متمم قیدی  
صد جویبار در انتظار من و تو است. جمله سه جزیی با مسند  
غرق غبار، غرق غربت، انتظار من، انتظار تو: ترکیب اضافی  
صد جویبار. ترکیب وصفی  
سمت باران. متمم قیدی  
در انتظار من و تو. متمم

#### قلمرو ادبی

##### واج آرایی. غ

غرق غبار. استعاره مکنیه و اضافه استعاری  
غرق غربت. اضافه استعاری و استعاره مکنیه  
باران استعاره از آزادی  
جویبار. استعاره مصرحه از حرکت های مردمی  
باران و جویبار مراعات نظیر  
با من بیا. کنایه از متحد شدن  
صد نماد مقدار زیاد

#### قلمرو فکری

ما غرق دریای غم و بی کسی هستیم پس ای دوست من با من بیا ( بیا متحد شویم) بیا به سمت آزادی حرکت کنیم  
صد جویبار حرکت های مردمی در انتظار من و تو در کشور قرار دارد.

#### بیت پنجم

این فصل فصل من و توست، فصل شکوفایی ما  
برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو

## ■ قلمرو زبانی

شکوفایی : درخشش، پر بار شدن

بیت پنج جمله است

این فصل. نهاد

فصل من و تو. مسند

است فعل گذرا به مسند

جمله دوم :

فصل شکوفایی ما. مسند

این فصل. نهاد محذوف به قرینه لفظی

است محذوف به قرینه لفظی

جمله سوم

برخیز. فعل ناگذر

تو نهاد محذوف به قرینه لفظی

جمله چهارم

با گل بخوانیم

ما نهاد محذوف به قرینه لفظی شناسه

با گل. متمم قیدی

بخوانیم. فعل گذرا به مفعول

نوای عشق نسبت به سرزمین.

مفعول، حذف به قرینه معنوی

جمله پنجم

اینک قید

بهار من و تو. نهاد

است فعل ناگذر، حذف به قرینه لفظی

فصل من، فصل تو، فصل شکوفایی، بهار من، بهار تو. ترکیب اضافی

## ■ قلمرو ادبی

تکرار یا واژه آرایی. فصل

فصل مجاز از زمان

برخیز کنایه از قیام کردن

گل. نماد عشق است

گل. استعاره مکنیه و تشخیص.

بهار. استعاره از آزادی

بهار و شکوفایی. مراعات نظیر

## ■ قلمرو فکری

زمان، زمان من و تو است ( زمانی است که ستم نابود شده است) فصل رشد و درخشش ما فرا رسیده است. پس قیام کن و بیا تا با گل نوای عشق نسبت به سرزمینمان را سردهیم اکنون زمان آزادی ما فرا رسیده است.

## بیت ششم

با این نسیم سحر خیز، برخیز اگر جان سپردیم  
در باغ می ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

## قلمرو زبانی

### بیت چهار جمله

جمله اول، با این نسیم سحر خیز برخیز

جمله دو جزیی

تو نهاد محذوف به قرینه لفظی شناسه

برخیز فعل ناگذر

با این نسیم سحر خیز. متمم قیدی

اگر جان سپردیم

ما نهاد محذوف به قرینه لفظی

جان سپردیم فعل مرکب به معنی مردن و ناگذر

ای دوست، شبه جمله

گل مانند یادگاری از من و تو در باغ می ماند.

گل. نهاد

یادگاری از من و تو. قید

در باغ متمم فعلی

می ماند. فعل گذرا به متمم

این نسیم سحر خیز. دو ترکیب وصفی

یادگار من، یاد گار تو. ترکیب اضافی

## قلمرو ادبی

نسیم سحر خیز. ترکیب وصفی و استعاره مکنیه

گل. استعاره از عشق

جان سپردن کنایه از مردن

نسیم، گل و باغ مراعات نظیر

باغ استعاره از کشور ایران

گل را به یادگاری تشبیه کرده است

برخیز کنایه از حرکت کردن و قیام کردن

## قلمرو فکری

همراه با این نسیم سحر خیز تو هم خیلی زود به پاخیز و قیام کن حتی اگر در راه هدفمان جان خود را هم از دست دادیم؛ بدان که در سرزمینمان عشق ما به کشور مانند یادگاری از من و تو باقی خواهد ماند

## بیت هفتم

چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم  
من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

## قلمرو زبانی

بیت پنج جمله

جمله اول

چون رود امیدوارم

چون رود متمم قیدی

من نهاد محذوف به قرینه لفظی شناسه

امیدوار. مسند

م شناسه و جانشین فعل

فعل است به قرینه معنوی حذف است

جمله دوم: بی تابم، جمله سه جزیی با مسند، نهاد به قرینه لفظی حذف شده است و فعل محذوف به قرینه معنوی است

جمله سوم: بی قرارم، سه جزیی با مسند

بی قرار مسند، من به قرینه لفظی شناسه حذف شده است و فعل است به قرینه معنوی حذف است.

می می روم سوی دریا

سوی. حرف اضافه، دریا. متمم

من نهاد

می روم فعل ناگذر

جمله پنجم

دریا جای قرار من و تو است

دریا حذف به قرینه لفظی

جای قرار من و تو مسند

است فعل اسنادی محذوف

جای قرار من و تو. سه ترکیب اضافی

جای. هسته

قرار من و تو. وابسته و مضاف الیه

قرار هسته ی مضاف الیه

من وابسته وابسته و مضاف الیه مضاف الیه

تو وابسته وابسته، مضاف الیه مضاف الیه

## قلمرو ادبی

شاعر خود را به رود تشبیه کرده است

رود تشخیص و استعاره مکنیه

دریا استعاره از آزادی

قرار و بی قرار تضاد

واج آرای صامت. ر.

رود و دریا. مراعات نظیر

بی تاب و بی قرار بودن کنایه از عدم آرامش

## ■ قلمرو فکری

من مانند رود آرامش ندارم و برای رسیدن به آزادی در جوشش و حرکت هستم من به سمت آزادی در حرکتم زیرا جای امن و آرامش من آنجا ست

قلمرو زبانی

۱\_ در متن درس واژه ای بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد.

غربت. قربت

۲\_ انواع واو " ربط و عطف " را در متن درس مشخص کنید.

من و تو. عطف

غرق غباریم و غربت. ربط

بی تابم و بی قرارم. ربط

برگ و بار. وند

۳\_ در متن درس کدام گروه های اسمی در نقش مفعول قرار دارد؟

برگ و بار من و تو

چه

## قلمرو ادبی

۱\_ در متن درس برای هر کدام از آرایه های تشخیص و تشبیه دو نمونه مناسب بیابید.

صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو ( تشخیص)

چون رود امیدوارم ( تشبیه)

خورشید در دشت آینه دار من و تو ( خورشید استعاره مکنیه و تشخیص ) ، دشت ( استعاره مصرحه)

غم در بیت اول تشخیص است

برخیز با گل بخوانیم. گل. تشخیص

گل مانند یادگار من و تو است

۲\_ در بیت زیر (برزخ سرد) و ( شب) نماد چه مفاهیمی است؟

آن جا در آن برزخ سرد در کوچه های غم و درد

غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو

برزخ سرد. نماد محیطی ناامید

شب. نماد ظلم و ستم

۱\_ مقصود نهایی شاعر از مصراع دوم بیت زیر چیست؟

چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم

من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

رود برای تکامل و آرامش به دریا می ریزد و انسانهای مبارز به سوی آزادی قدم برمی دارند و هدف آن ها آزادی وطن از ظلم است.

۲\_ توضیح دهید بیت زیر با فصل ادبیات انقلاب اسلامی چه مناسبت و پیوندی دارد؟

دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ

امروز خورشید در دشت آینه دار من و تو

اسارت سرزمین در ظلم و ستم حاکمان است و با مقاومت و شهیدان بسیار در برابر بی عدالتی و ظلم و استبداد عاقبت به پیروزی در برابر ظلم و استبداد داخلی می انجامد

۳\_ در باره ارتباط موضوعی هر یک از. سروده های زیر با متن درس توضیح دهید

الف) ز خورشید و از باد و از آب و خاک

نگردد تبه نام و گفتار پاک

\*\*\*\*

با این نسیم سحر خیز برخیز اگر جان سپردیم

در باغ می ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

اشاره دارد به اینکه یاد و راه مردان آزادی خواه و عاشق به وطن همیشه ماندگار است و هیچگاه نابود نمی شود

\*\*\*

ب) ای منتظر مرغ غمین در آشیانه / من گل به دستت می دهم، من آب و دانه / می کارمت در چشم ها، گل نقش امید / می بارمت بر دیده ها باران خورشید

\*\*\*

این فصل، فصل من و توست، فصل شکوفایی ما

برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو

زمان آزادی و شکوفایی فرا رسیده است و دوره ی یاس و نا امیدی به پایان آمده است و دوره ی رنج ها و سختی ها گذشته است